

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

یادنامه

دکتر خسرو بهرون

به کوشش محمدرضا بهزادی

۱۳۹۶



۶۶۸

مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

یادنامه دکتر خسرو بهرون
به کوشش محمدرضا بهزادی

ویراستاران: مریم لطفی، جلال فرهمند
حروف‌نگار و صفحه‌آرا: ناهید کردگاری
طراح جلد: امیرشاهرخ فریوسفی
ناظر چاپ: صفر ممیزاد
چاپ اول: ۱۳۹۶
شمارگان: ۵۰۰

کلیه حقوق برای دانشگاه شهید بهشتی محفوظ است.

سرشناسه:	بهزادی، محمدرضا، ۱۳۶۵-
عنوان و نام پدیدآور:	یادنامه دکتر خسرو بهرون/ به کوشش محمدرضا بهزادی.
مشخصات نشر:	تهران: دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری:	۵۷۲ص: مصور.
فروست:	دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات؛ ۶۶۸
شابک:	۹۷۸ ۹۶۴ ۴۵۷ ۴۰۳۰
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبیا
موضوع:	بهرون، خسرو، ۱۲۹۵-۱۳۸۹ -- یادنامه‌ها
شناسه افزوده:	دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات
شناسه افزوده:	Shahid Beheshti University. Printing & Publishing Center
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۶ پ۹/ب۱۸۸۹/CT
رده‌بندی دیویی:	۹۵۵/۰۵۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی:	۴۹۸۶۲۰۴

کد ناشر ۱۰۰۱۷۳۴
www.pub.sbu.ac.ir
unipress@mail.sbu.ac.ir

یادنامہ روانشاد دکتر خسرو بہرون

(سید عبداللہ بہاء الدین الحسینی تفرشی قمی)



فهرست مطالب

درآمد.....	۹
بخش اول: اسناد تحصیلی.....	۲۹
بخش دوم: اسناد خدمات دولتی و تدریس.....	۴۱
بخش سوم: اسناد بازرسی و نظارت بر امور باستان‌شناسی.....	۱۱۳
بخش چهارم: اسناد بازرسی از کتابخانه ملی.....	۱۹۹
بخش پنجم: اسناد بازرسی از کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان.....	۲۸۹
بخش ششم: اسناد حقوقی و شرکت‌ها.....	۳۵۵
بخش هفتم: اسناد شخصی و مکاتبات.....	۳۶۳
بخش هشتم: اسناد وقف و وقفنامه‌ها.....	۳۹۱
اسناد و تصاویر.....	۴۶۳
بخش اول: اسناد شخصی، اسناد خانوادگی.....	۴۶۵
بخش دوم: تصاویر خانوادگی، تصاویر شخصی.....	۵۰۳
فهرست اعلام.....	۵۶۱

درآمد

دکتر خسرو بهرون، فرزند سید صدر عزالدین خان الحسینی یا حسینی تفرشی قمی و نوه حاجی سید علیرضاخان امین دواب مستوفی، به سال ۱۲۹۵ هجری شمسی [یا در برخی اسناد تحصیلی ۱۲۹۷] در خیابان ری، سه‌راه امین حضور تهران، در کوچه بهرون [که هنوز وجود دارد] که از املاک خانوادگی ایشان بود، دیده به جهان گشود. در شناسنامه‌ای که پس از انقلاب اسلامی برایش صادر شده، تاریخ دقیق تولد او ذکر نشده، اما تاریخ تنظیم سند شناسنامه بر اساس سجل قدیمی، ۲۱ سرطان ۱۲۹۸ آورده شده است، و با شماره هویت ۹۰۷۱ از ناحیه ۹ طهران در دفاتر ثبت احوال و سجل به ثبت رسیده است. نام خانوادگی جدید او نیز بر اساس توضیحات مندرج در شناسنامه، در تاریخ ۵ آبان ماه ۱۳۱۶ شمسی، از بهاءالدین به بهرون تغییر داده شده است. نام خانوادگی قدیمی به نظر می‌رسد از نام پدر حاجی امین دواب، میر بهاءالدین الحسینی، به یادگار بوده و برخی از فرزندان امین دواب، نام خانوادگی الحسینی یا حسینی را با پسوند تفرشی یا تفرشی قمی برگزیده‌اند، ولی مجیر همایون، همچنان به نام سید

صدر عزالدین خان بهاءالدین خوانده می‌شده است.

این خاندان، همواره از سادات مورد احترام و بسیار معتبر محسوب می‌شدند. جد بزرگ ایشان، آقا میرهادی الحسینی، از روحانیون نامدار و مورد احترام و از سادات و علمای مذهبی عصر خویش در منطقهٔ برخوار و اصفهان بوده و به نمایندگی از طرف شیخ بهایی (۹۵۳-۱۰۸۳ هجری قمری) برای ادارهٔ امور شرعی و حسبیۀ مردم و تبلیغات مذهب تشیع (علیهم‌السلام) در این منطقه و بلوک برخوار منصوب شده بود. بعدها نواده‌ی او، سید ابوالحسن بن سید محمدبن میر هادی الحسینی [مدفون در بقعهٔ امامزاده شاه نعمت‌الله گز] و فرزندانش آقایان میر مهدی، میر هادی، میر محمد آقا سلطان و آقا سید کمال‌الدین، همگی در تشکیل شاخهٔ اجتماعی و تاریخی این ناحیه سهیم بوده‌اند و قسمتی از تاریخ و تمدن منطقه را پایه‌گذاری کرده‌اند.

نسب این خاندان بنا بر شجرهٔ خانوادگی که در اسناد بهرون محفوظ است، به عبدالله بن امام محمدباقر (علیه السلام) می‌رسد که با حضرت اباعبدالله جعفر بن محمد، امام صادق، از یک مادر هستند. مادر بزرگوار ایشان أم‌فروه، دختر قاسم بن محمدبن ابی‌بکر صدیق است که هم پدر بزرگش از یاران امیرالمومنین علی علیه السلام بوده و هم جد بزرگوارش از صحابی کبار و یارِ غار پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و علی آله و سلم) هستند. بر پایهٔ آنچه ما یافته‌ایم، عبدالله بعدها به دست بنی‌امیه مسموم شد و مرقدی منتسب به وی در شهرستان دیلم استان بوشهر، در منطقهٔ ماهرویان وجود دارد.

جد خسرو بهرون، حاجی میرزا سید علیرضاخان امین‌دواب یا در برخی

منابع به غلط نگارش می‌شود، امین‌الدواب، کالسکه‌چی مظفرالدین‌شاه قاجار بود. او ابتدا در زمان ناصرالدین‌شاه از اجزای اداره شترخانه و قاطرخانه دولتی (اداره صاحب‌جمعی دواب دیوانی یا اداره شترخانه و قاطرخانه و شتران گلّائی و غیره) بود و سمت مشرف شترخانه گلّائی را داشت. در آغاز سلطنت مظفرالدین‌شاه (ابتدا در زمان ریاست شاهزاده محمدحسین میرزا یمین‌السلطان و سپس در زمان ریاست محمودولی خان دولو قاجار آصف‌السلطنه امیرتومان [حاجب‌الدوله] صاحب‌جمع همایونی در سال ۱۳۱۷ قمری) مستوفی اداره یادشده بود و سپس در زمان نیابت سید مهدی وزیر دواب، مستوفی و محاسب اداره شترخانه و قاطرخانه، به منصب کالسکه‌چی‌باشی مظفرالدین‌شاه رسید. برادر او، مدیردواب، هم از مستوفیان قاطرخانه در همین اداره به شمار می‌آمد. منزل خاندان امین‌دواب در میدانگاهی باغ پسته‌بگ یا پسته‌بیگ در کنار قراولخانه اول کوچه حمام زن‌ها یا عزب‌دفتر^۱ قرار داشت.

سید علیرضاخان، پنج‌پسر داشت که از این میان تنها سه تن به نام‌های سیداسدالله‌خان، سید احمدخان‌الحسینی تفرشی^۲ (مؤلف *روزنامه یادداشت‌های وقایع مشروطیت ایران* ملقب به تمجیدالسلطان که علاوه بر خط‌خوش و نقاشی، در صنعت عکاسی و قلمدان‌سازی هم دستی داشت.

۱. در وزارت استیفا به کسانی که دوندگی ارباب رجوع را انجام می‌دادند و بین مردم و مستوفیان کارگشا و رابط بودند، عزب‌دفتر اطلاق می‌شد. (م.ب.)

۲. برای آگاهی فزونتر از آثار و شرح احوال تمجیدالسلطان بنگرید به: *نهضت ترجمه آثار مولیر در ایران نواحی خاورمیانه (از آغاز تا پایان قرن نوزدهم میلادی) و کمندی مسیو پورسنیاک (کاتب احمد الحسینی این میرزا علیرضای امین‌دواب تفرشی) به کوشش نیایش پورحسن. جلد چهارم. تهران «کوله پستی» ۱۳۹۶. صص ۱۵۶ تا ۱۶۱.*

وی سفری به همراه پدرش، به مکه معظمه مشرف شد و سفرنامه‌ای از این سفر نگاشته است) و سیدعزالدین خان مجیرهمایون را می‌شناسیم. هم‌چنین یکی از دختران وی تا سال ۱۳۵۲ شمسی در قید حیات بوده است.

سید عزالدین خان ملقب به مجیرهمایون بهرون، پدر دکتر خسرو بهرون است. مجیرهمایون از کارمندان عالی‌رتبه وزارت امور خارجه بود که در فهرست کارمندان این وزارتخانه (در سالنامه وزارت امور خارجه در دوران سلطان احمد شاه به سال ۱۳۳۲ قمری که توسط میرزا هاشم خان رئیس دایره پرسنل وزارتخانه مزبور تهیه شده بود) وی را این‌گونه معرفی کرده‌اند:

«عزالدین خان (مُجیرهمایون)؛ تولد ۱۳۰۷ قمری در تفرش، دخول در خدمت وزارت خارجه و ثباتی در اداره تحریرات عثمانی ۲۰ شعبان ۱۳۲۸، مباشر ارسال مراسلات در کابینه با رتبه ثباتی غره ذی‌القعدة ۱۳۳۰، منشی دویمی کابینه ۲۲ ذی‌القعدة ۱۳۳۱.»

همچنین بر اساس سندی که اکنون در مخزن مجموعه آثار دکتر بهرون در دانشگاه شهید بهشتی نگهداری می‌شود، مجیرهمایون در اواخر دوره قاجار مأمور سفارت ایران در بمبئی هندوستان بوده و در سال ۱۳۰۱ شمسی مفتخر به دریافت نشان از سلطان احمد شاه قاجار شده است.

مادر او نیز، رقیه اعتمادیه دختر حاجی میرزا علی‌اکبر خان تاجرباشی طهرانی بود که چون به نکاح مجیرهمایون در آمد، نامش را به رقیه عزت‌الملوک بهاء‌الدین بهرون تغییر داد. در برخی از مکاتبات ملکی و وصیتنامه برجای مانده، او را عزت‌الحاجیه بهرون هم خوانده‌اند. زمین‌ها و

منزل خانوادگی اعتمادیه نیز در کوچۀ نصیرالدوله قرار داشته است. از اینکه چرا مجیرهمایون نام خانوادگی خود را از الحسینی تفرشی به بهرون تغییر داده، چیزی نمی‌دانیم، فقط این‌گونه می‌شود حدس زد که در زمان انتخاب نام خانوادگی، بر اساس فضای حاکم بر ایران عصر رضاشاهی، نام‌هایی با پیشینه اساطیری بیشتر مورد توجه بوده است. چرا که بهرون نام ایرانی اسکندر مقدونیایی است. اما با این همه نام مرسوم این سلسله از سادات تفرشی همانند خویشاوندان فراهانی و هزاهای خود، الحسینی بوده و در سیادت آن‌ها بر اساس اسناد موجود در شجره سادات الحسینی و مشیری و قائم‌مقامی، شکی وجود ندارد.

شجره‌شناسی دکتر خسرو بهرون براساس نسبنامه‌ای که در میان اسناد خطی بهرون محفوظ است و اکنون در مرکز اسناد کتابخانه مرکزی دانشگاه شهید بهشتی نگهداری می‌شود چنین است:

سید عبدالله بن سید عزالدین خان ملقب به مجیرهمایون ابن سید
 علی‌رضا خان ملقب به حاجی امین‌دوآب بن حاج سید بهاء‌الدین بن
 میرزا سیدعلی بن میرزا سید محمد [مشهور به میر جمال‌الدین] ابن
 میر ابوالحسن بن میرهادی مشهور به میرزاین میرقاسم بن سید عبدین
 سید عبدالعزیز بن سید عبدالله بن سید عبدالرحیم بن میر عبدالله بن
 میر عبدالصمد بن میر عبدالعلی بن میر عبدالکریم بن سید عبدالواحدین
 میر عبدالله بن میر عبدالعزیز بن میر عبدالغفور بن میر عبدالحی بن میر
 عبدالحکیم بن میر عبدالرحیم بن میر عبدالصبور بن میر عبدالکریم بن
 میر عبدالعلی [او هو‌العلی‌المهدی] بن میر عبدالصمد [او هو محمد]
 بن میر عبدالغفور بن میر عبدالقادر بن میر عبدالشکور بن سید
 عبدالحی بن سید عبدالحکیم بن سید عبدالله بن میر عبدالمطلب بن

میر عبدالهاشم بن میر عبدمناف بن میر عبدالائم بن میر عبدالعظیم بن میر عبدالله بن امام الهمام ابی جعفر محمد [بن علی] باقر علیه السلام. این شجره نامه، در ربیع المولود سیچقان نیل ۱۳۱۵ باستانی [شمسی و برابر با ۱۳۵۵ قمری] به خط نستعلیق و شکسته خوش کتابت شده است و بر بالای خود نام شجره طایفگی را دارد. محرر و ناظم آن نیز، سید حسن بن سید باقر بن میرزا طاهر بن حاج طیب بن میر طاهر بن میر ابوالحسن بن میرهادی، عضو اداره کل تجارت بوده است که در پایین شجره نامه، نام خود و انتسابش به این شجره را نیز آورده است.

در شجره ای که از فرزندان امام محمدباقر علیه السلام وجود دارد، نام عبدالله که در شجره طایفگی بهرون، میرعبدالله آورده شده، به چشم می خورد. مع الوصف در آنجا برای وی فرزندی ذکر نشده است.

مجیرهمایون و همسرش، علاوه بر سید عبدالله یا همان خسرو و دو پسر دیگر به نام های پرویز و منوچهر [مدیر کل دفتر طرح ها و بررسی ها و سپس عضو هیئت مدیره سازمان مسکن در سال ۱۳۴۴ و در کابینه ۱۰۹ به نخست وزیری تیمسار ارتشبد غلامرضا ازهاری ابتدا معاونت وزیر آبادانی و مسکن، تیمسار ربیعی و سپس تا ۵۷/۸/۲۶ وزیر آبادانی و مسکن گردید]. دو دختر هم به نام های فاطمه (ملقب به شکوه) و اخترالسادات داشتند که اخترالسادات در زمان حیات والدین، وفات کرد.

مجیرهمایون در زمان تشکیل حکومت پهلوی و انتقال قدرت، در کسوت خدمت وزارت خارجه، مدتی به مشهد منتقل شد و فرزندش، خسرو را در آنجا به مدرسه ابن یمین فرستاد تا دوره ابتدایی را تکمیل نماید. بر اساس تصدیق نامه ششم ابتدایی، خسرو بهاء الدین در تاریخ

۱۶ اردیبهشت ۱۳۰۸ شمسی از این مدرسه با تصدیق ششم ابتدایی فارغ‌التحصیل می‌گردد. پس از این زمان، مجیرهمایون از سوی وزارت خارجه، به تهران فراخوانده و خسرو برای ادامه تحصیل به شعبه علمی مدرسه دارالفنون فرستاده شد. بر اساس تصدیق‌نامه نهایی تحصیلات متوسطه که در بهمن‌ماه آن سال برای او صادر شده او توانست در شهریور ماه ۱۳۱۳ شمسی، با معدل ۱۲/۱ شعبه علمی و متوسطه مدرسه را به پایان برساند. خسرو خان بهاء‌الدین که دیگر با نام خانوادگی بهرون شناخته می‌شود، در خرداد ماه ۱۳۱۷ از اولین دوره دانشکده فنی دانشگاه تهران با معدل ۱۳/۳۸ از عهده امتحانات رشته مهندسی برق برآمده و با عنوان مهندس برق، فارغ‌التحصیل می‌گردد در همان زمان، کمی پیش از فارغ‌التحصیلی در مرداد و شهریور ماه ۱۳۱۵ شمسی، دوره کارآموزی خود را به عنوان کارشناس الکتریسیته و برق در کارخانه سیمان ایران یا همان کارخانه سیمان ری در نزدیکی تهران به نحو شایسته به پایان می‌رساند. سپس به خدمت سربازی فراخوانده شده و در سال ۱۳۱۸ در دانشکده افسری، به عنوان ستوان دوم مهندس وظیفه، ابتدا وارد خدمت ارتش و سپس به عنوان رئیس دفتر اداره آموزش مهندسی ارتش، دوران سربازی خود را طی می‌کند. با توجه به نفوذ مجیرهمایون در میان رجال طراز اول دربار و حسن شهرت مهندس بهرون و اقداماتش در اداره مهندسی ارتش، خسرو خان در فاصله سال‌های ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۰، ابتدا به عنوان معاون و سپس به عنوان رئیس ساختمان‌های سلطنتی سعدآباد انتخاب می‌شود و در این شغل پس از تکمیل امور مربوط به بیوتات سلطنتی از طرف پهلوی اول مورد تشویق و تمجید قرار می‌گیرد. در اواخر سال ۱۳۲۱ به سمت

مهندس اداره راه شوسه وزارت راه به خدمت مشغول می‌گردد. در فاصله سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۲ نیز، مدیر مسئول روزنامه *بهرام* (ناشر افکار جمعیت عدالت) شد و در سال ۱۳۲۳ به عنوان وابسته مطبوعاتی سفارت ایران در ایالات متحده آمریکا، به واشنگتن عزیمت نمود. این نخستین باری است که در تاریخ وزارت خارجه، ایران صاحب وابسته مطبوعاتی سیاسی می‌گردد. بر اساس اسناد موجود خسرو بهرون در سال ۱۳۲۳ (سفارت محمد شایسته در ایالات متحده آمریکا) به سمت نمایندگی اداره کل انتشارات و تبلیغات در آمریکای شمالی برای شناساندن شئون و مزایای علمی و صنعتی و تاریخی ایران، مأمور به خدمت می‌شود.

بهرون در همان زمان حضور در آمریکا، با کسب اجازه از حسین علاء، سفیر کبیر وقت ایران در آمریکا (از شهریور ۱۳۲۴ تا اسفند ۱۳۲۸)، برای ادامه تحصیل، وارد دانشگاه علمی و فنی کالتک گردید. این دانشگاه در زمینه تحصیلات تکمیلی در رشته‌های مهندسی و علمی و بخش‌های تحقیقاتی و آموزشی و اکتشافی، یکی از مشهورترین مؤسسات آموزش عالی ایالات متحده به شمار می‌آید.

دکتر قاسم غنی در یادداشت‌هایش درباره حضور بهرون در آمریکا و

تحصیلات او می‌نویسد:

۱۰ فوریه ۱۹۴۶

صبح ساعت هفت حرکت نموده، امروز ماشین قریب ۴۴۰ میل تا به حال رفته؛ قدری تندتر حرکت می‌کردیم. دیروز و امروز آقای مهندس خسرو بهرون اتومبیلرانی به مخلص یاد می‌دهند. چند متری

هم راندم ولی در جبین این کشتی نور رستگاری نمی‌بینم...

۱۱ فوریه

صبح ساعت ۵ بیدار شده پس از استحمام در حدود ساعت هفت حرکت کردیم... همسفر من آقای مهندس بهرون (خسرو)، جوان ۲۹ ساله‌ای است که در ایران مدرسه فنی را تمام کرده. مدتی در دربار مهندس ساختمان بوده، بعد به عزم مسافرت به آمریکا حرکت کرده و برای تسهیل تذکره، انتساب به وزارت خارجه پیدا کرده، به عنوان وابسته مطبوعاتی (زیرا در تهران دست در کار روزنامه حزب عدالت بوده) قریب یکسال در واشنگتن در سفارت به این سمت برقرار بوده. فعلاً به عزم تحصیل و تکمیل در رشته مهندسی عازم ایالت کالیفرنیا است و در این سفر با من هم‌سفر است. رانندگی اتومبیل هم با ایشان است. جوان مهربان و مہذب است.

وی پس از پایان تحصیلات و اخذ درجه کارشناسی ارشد و سپس دکتری در علوم و در رشته مهندسی برق در ۲۷ سپتامبر ۱۹۴۶، و همچنین تحصیلات تکمیلی در اکتشاف و نیز رشته اقتصاد با مرتبه بسیار بالا و دریافت مقام و عنوان Caltech man از دانشگاه کالتک و رتبه بسیار بالا از منظر ارائه پایان‌نامه دکتری، مجدد به سفارت ایران در واشنگتن بازگشت و مدتی مشغول به کار شد. در همان زمان، حسین علاء، سفیر کبیر وقت ایران در آمریکا، معرفی‌نامه‌ای برای او می‌نویسد و او را به دبیرخانه سازمان ملل معرفی می‌کند. سازمان ملل نیز خسرو بهرون را نامزد مدیر کلی یکی از دوایر IRO در ژنو می‌کند. به فاصله کمی از این انتخاب، یعنی بین سال‌های ۱۹۴۷ و ۴۸، بهرون به عضویت اجرایی مؤسسه تحقیقاتی ایران

در آمریکا منصوب می‌شود. دوری از وطن و تأکیدهای مجیرهمایون برای بازگشت خسرو به ایران و خدمت به وطن از یک سو و نگرانی از وضعیت و احوال مادر از سوی دیگر، عاقبت وی را که اینک دکتر مهندس خسرو بهرون خوانده می‌شود در سال ۱۳۲۹ به ایران می‌کشاند تا مابقی عمر را در خدمت به وطن و مردم سرزمین خویش بگذراند. در همان آغاز، او به عضویت شورای عالی اقتصاد کشور درمی‌آید و در تهیه طرح‌های صنعتی و سازمان‌های اقتصادی کشور، حضور مؤثری پیدا می‌کند.

دکتر بهرون عاقبت در سال ۱۳۳۰، با توجه به سوابق تحصیلی و حرفه‌ای، به عضویت ارشد شورای عالی برق کشور منصوب می‌شود که به یقین نقطه عطفی در زندگی حرفه‌ای او و نقطه قوتی در کارنامه شورای عالی برق کشور و صنعت برق ایران است. بهرون در فاصله یک سال، دست به تهیه طرح‌های شبکه برق کشور می‌زند و موفق می‌شود آن را در سال ۱۳۳۱ به اتمام رسانیده و تقدیم هیئت دولت نماید. در این زمان است که به واسطه تبحر و دقت نظر و نکته‌سنجی در تهیه این طرح، از سوی نخست‌وزیر وقت مورد تمجید و تقدیر قرار می‌گیرد و طرح پیشنهادی او با نظارت خودش، در دستور کار اجرایی کشور قرار داده می‌شود.

از همان زمان که او به ایران باز می‌گردد، همواره این دغدغه را دارد که دانش خویش را به نسل جوان کشورش انتقال دهد، پس با جدیت در امر تدریس دانشجویان نیز می‌کوشد و در فاصله سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲، به دعوت دانشکده افسری و موافقت و دعوت رسمی تیمسار سپهبد رزم‌آرا، رئیس کل ستاد ارتش، به عنوان استاد رشته الکتریسیته و رادیو و آزمایشگاه‌های برق و بی‌سیم سال سوم دانشکده افسری مشغول

به تدریس می‌شود. در همین فاصله به سمت استادی دانشکده مهندسی پست و تلگراف و تلفن [استاد پروژه تلگراف و تلفن شعبه تکمیلی] نیز پذیرفته شده و طرحی نیز برای شبکه تکمیلی تلفن کشور ارائه می‌دهد که مورد موافقت هیئت وزیران قرار می‌گیرد. وی برای تدریس در وزارت پست و تلگراف و تلفن، از اول آذر ۱۳۳۱ برای هفته‌ای ۴ ساعت تدریس فراخوانده می‌شود. در اواخر همان سال نیز برای تدریس الکتریسیته [استاد الکتریسیته شعبه اول] در سال دوم دانشکده مهندسی وزارت پست مورد تأیید وزیر وقت قرار گرفته و امر آموزش این کلاس نیز به وی محول می‌گردد.

با ایجاد سازمان اصل چهار امریکا در ایران، بهرون به عنوان قائم‌مقام در امور مربوط به برنامه‌های کارگری و نیروی انسانی و آموزش صنعتی، حفاظت صنعتی و روابط کارگران و کارفرمایان و اتحادیه‌های کارگری، امور ساختمان‌سازی و شهرک‌سازی و تشریک‌مساعی با وزارت کار ایران، معرفی و سپس مشغول به کار می‌شود. در این راستا خسرو بهرون در همکاری با وزیر کار وقت، دکتر عالمی و معاون او دکتر بختیار در کابینه دکتر محمد مصدق، دست به یک سلسله اقدامات اصلاحی در امور کارگری در سطح کشور می‌زند که نتایج مهمی را به بار می‌آورد.

پس از برکناری سپهبد زاهدی، در فروردین ۱۳۳۴ با موافقت حسین علاء نخست‌وزیر وقت، برای عضویت در هیئت نظارت سازمان برنامه و تأسیس این سازمان با عنوان سازمان برنامه و بودجه انتخاب می‌شود. پس از موافقت مجالس شورای ملی و سنا در تأسیس سازمان برنامه، از اواخر ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۹ به عنوان بازرسی عالی سازمان بازرسی شاهنشاهی و

رئیس امور فنی و خارجه سازمان بازرسی مشغول به کار می‌گردد. بهرون پیشنهادهایی برای اصلاح امور اجرایی در وزارت خارجه، صنایع و معادن و کار و امور فنی [در بخش‌های صنعتی، معادن، امور برق، امور آب، امور خارجه و متفرقه فنی] در کشور ارائه می‌دهد که همگی با موافقت و استقبال صاحب‌نظران مواجه می‌شود. او در راستای پیشنهادات اصلاحی برای قوانین مربوط به سازمان‌ها و نهادهای فوق‌الذکر، در چهارم آبان‌ماه ۱۳۳۹، مفتخر به دریافت نشان همایون، از درجه چهارم با فرمان و حمایل می‌شود. در همین زمان وی با بازرسی از وزارت فرهنگ و هنر و موزه ایران باستان، دست به تدوین قانونی برای یکسان‌سازی حفاری و انتقال آن به سیستم‌های مورد وثوق دولتی و تحت نظارت کارشناسان تحصیل کرده ایرانی و خارجی و تشکیل سازمان و مؤسسه باستان‌شناسی می‌زند. این کار در حقیقت شالوده بنای سازمان میراث فرهنگی به شمار می‌آید و از نقاط قوت و پراهمیت کارنامه خدمات فرهنگی دکتر بهرون است. طرح پیشنهادی بهرون برای تأسیس شورای عالی باستان‌شناسی با هدف نظارت و پیشرفت امور باستان‌شناسی و موزه‌داری، در همان زمان مورد تأیید وزیر فرهنگ قرار گرفته و به مرحله اجرا در می‌آید. او همچنین در زمینه مبارزه با دلالان اشیاء عتیقه و جلوگیری از خروج این اشیاء از کشور، اقدامات مهمی را صورت داد که در بخش اسناد، مختصری از آن‌ها را می‌توان مشاهده کرد.

در همین سمت، با بازرسی دقیق از کتابخانه سلطنتی (کتابخانه خطی کاخ گلستان تهران) و کتابخانه ملی، به وضعیت آشفته و نابسامان این دو کتابخانه بی‌نظیر کشور رسیدگی می‌کند. اسنادی که از این بازرسی‌ها

و جمع‌آوری مدارک و مستندات از میان اسناد دکتر بهرون به دست ما رسیده، علاوه بر اینکه برای نخستین بار در این مجموعه منتشر می‌شود، از منظر تکمیل اطلاعات دربارهٔ این دو نهاد مهم فرهنگی بسیار حایز اهمیت است. تلاش وی در اصلاح وضعیت کتابخانه ملی و سامان دادن به آن، یکی از مهمترین اقدامات فرهنگی بهرون در اواخر دههٔ ۳۰ و ابتدای دههٔ ۴۰ شمسی است. به نظر می‌رسد یکی از طرح‌های مهمی که توسط او به سازمان بازرسی شاهنشاهی ارائه می‌شود، طرح شورای کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان در تهران است. این طرح در آبان و آذر ۳۹ توسط خسرو بهرون با رعایت نکات فنی و حرفه‌ای به نگارش درآمد و در همان سال مورد تأیید ریاست بیوتات سلطنتی و رئیس وقت کتابخانه سلطنتی و ریاست سازمان بازرسی، سپهبد یزدان‌پناه قرار گرفت، اما مع‌الوصف به مرحلهٔ نهایی و اجرایی نرسید. بازرسی دکتر بهرون از کتابخانه سلطنتی با استناد به اسناد موجود در مجموعه حاضر، یکی از حلقه‌های مفقود در شناخت ما از وضعیت کتابخانه سلطنتی است. وی در این مدت، بر نحوه خرید کتاب برای کتابخانه ملی، خروج کتب خطی از کشور، تعقیب و مجازات قانونی نسبت به جعل یا مخدوش کردن کتب خطی، تهیه دستگاه اشعهٔ ایکس، تهیهٔ فهرست آثار ملی کتب خطی نفیس و فروشندگان و اهداکنندگان کتاب به این نهاد و برخی موارد دیگر، بازرسی و نظارت دقیقی را اعمال نمود که در بخش اسناد می‌توان آن‌ها را به صورت مشروح ملاحظه کرد.

پس از این درخشش در سازمان بازرسی، از خسرو بهرون دعوت می‌شود تا در کابینهٔ هشت ماههٔ جعفر شریف امامی پس از منوچهر اقبال، در سمت

وزیر پست و تلگراف و تلفن، به خدمات دولتی ادامه دهد. اما او این پست را نمی‌پذیرد و ترجیح می‌دهد تا در سازمان بازرسی بماند و در دانشگاه به تدریس مشغول شود. البته بهرون در یادداشت‌هایش به این نکته اشاره می‌کند که شرط وزارت، پذیرفتن او در لژ فراماسونری و ماسون شدنش به دستور شریف‌امامی بود که از آن سر باز زده و ترجیح می‌دهد تا به این کسوت در نیاید و این پست را نپذیرد.

دکتر بهرون در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۴۲ و ۴۳، با همکاری مهندس جمال گنجی، مهندس هوشنگ سیحون، مهندس علی اصغر شکریان، مهندس ناصر گل‌سرخ‌ی و دکتر شاپور شفائی، شرکتی را با عنوان مهندسی مشاور خاورمیانه تأسیس می‌کند که اهداف آن به شرح زیر مورد تصویب هیئت مؤسسين قرار می‌گیرد: مطالعه و مشاورهٔ فنی و اقتصادی در برخی از رشته‌ها نظیر معادن، توسعهٔ صنایع و کشاورزی، مطالعات برق و انتقال انرژی، اجرای پروژه‌های نصب تلفن‌های خودکار و بی‌سیم و تلویزیون، راه‌آهن و پل‌سازی، سدسازی و زهکشی و امور آبیاری، امور عمران روستایی و مهندسی بهداشت، تأسیسات اسکله‌سازی و بنادر، زیرساخت‌های فرودگاهی و خطوط ارتباطی لوله‌کشی فاضلاب‌های شهری و جاده‌سازی [آسفالت‌کشی] و خانه‌سازی انبوه و تأسیسات ساختمانی و شهرسازی و تهیهٔ پروژه‌های مربوط به رشته‌های مهندسی و نظارت بر اجرای آن‌ها.

دکتر بهرون در طول دوران فعالیت علمی و فرهنگی خود، نزدیک به چهارصد صورت جلسه و طرح اصلاحی و پیشنهادی برای وزارت فرهنگ، شورای عالی برق کشور، وزارت کار و وزارت راه و بسیاری دیگر از سازمان‌های دولتی تهیه کرد و برخی را به مرحلهٔ اجرا نیز درآورد. در

راستای امور مربوط به اصلاح وضعیت امور باستان‌شناسی کشور، کتابی با عنوان *مارلیک* در سال ۱۳۴۳ به نگارش درآورد و در مقدمهٔ این اثر، از یک سلسله اصلاحات که به‌وسیلهٔ او در امور باستان‌شناسی صورت پذیرفته بود، سخن به میان آورد. در بین سال‌های ۱۳۴۳ و ۴۴، کتابی با عنوان *سیستم اقتصادی و کمک‌های خارجی آمریکا*، در سه مجلد تألیف کرد که این کتاب در سال ۱۳۴۷، برای انتشار و توزیع در دانشگاه، به شورای چاپ و نشر دانشگاه تهران فرستاده شد، مع‌الوصف تا نیمهٔ اول دههٔ پنجاه به طبع نرسید و پس از آن نیز هرگز منتشر نشد.

دکتر بهرون در دهم بهمن ماه ۱۳۴۷، با گیتی نوحاسته پیمان زناشویی می‌بندد. پیمانی که تا آخرین دم حیات خویش به آن وفادار بود؛ گیتی نوحاسته پیش از دکتر بهرون در دوشنبه چهارم دی ماه ۱۳۶۹ در بیمارستان مهراد تهران در سن ۵۲ سالگی درگذشت و دکتر بهرون مابقی عمر را به تنهایی گذرانید. هرچند این زوج فرزندی نداشتند، اما از میان یادداشت‌های برجای مانده از دکتر بهرون، می‌توان به علاقه و عشق عمیقی که بین او و همسرش جریان داشت، پی برد.

پس از ازدواج نیز به فاصلهٔ کمتر از یک ماه، دکتر بهرون عازم سفر حج تمتع گردید و به عنوان بازرس شاهنشاهی، پس از بازگشت از سفر بیت‌الله‌الحرام، پیشنهادات و نظرات و گزارش مبسوطی دربارهٔ ترتیب انجام مناسک، تامین رفاه حجاج ایرانی و آسودگی و امنیت زائران به کمیسیون حج ارائه داد که در نتیجهٔ این پیگیری‌ها، وضعیت حجاج ایرانی در سال‌های بعد در برخی از موارد مذکور، رو به بهبودی نهاد.

دکتر بهرون، همواره بانی بسیاری از امور خیریه و عام‌المنفعه در

عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی بود. اختصاص بودجه‌ای سالانه به دانشکدهٔ فنی و کتابخانه‌های آن در دانشگاه تهران و همچنین وقف املاک شخصی برای امور خیریه، گوشه‌ای از خدمات اوست. صورت پرداخت وجوه شرعی نماز و روزه‌های قرضی از جانب مادر و پدر، و نمازها و روزه‌های همسر مرحومش و شخص او به دفاتر آیات عظام در قم و پرداخت برخی دیگر از وجوه شرعیه، همگی در مجموعهٔ اسناد برجای مانده از وی دیده می‌شود. شاید مهم‌ترین وقف دکتر بهرون را باید، اختصاص و وقف کل املاک، اموال و دارایی‌ها و کتابخانهٔ شخصی کم‌نظیرش به دانشگاه شهید بهشتی در زمان ریاست دکتر ندیمی به سال ۱۳۸۲ دانست. او ابتدا مایل بود تا تمامی اموال منقول و غیرمنقول خود را وقف دانشگاه تهران کند، جایی که در آن درس خوانده و از نخستین دانش‌آموختگان دانشکدهٔ فنی آن بود، اما با بی‌میلی اولیای وقت دانشگاه تهران مواجه شد و سرانجام تصمیم گرفت تا تمامی دارایی خود را به دانشگاه شهید بهشتی وقف کند. اموال موقوفه از جانب وی در زمان ریاست دکتر لطیفی و سپس دکتر شعبانی به کتابخانهٔ مرکزی (به زمان ریاست دکتر احمد خاتمی) منتقل شد و بعدها در بخش‌های موقوفهٔ کتاب و خزانهٔ طبقات زیرین کتابخانه جای گرفت. البته تابلوها و اثاثهٔ منزل وی، مدتی مدید و پیش از ریاست دکتر فریدزاده بر کتابخانه مرکزی دانشگاه، در اتاقی در طبقهٔ همکف سرسرای اصلی کتابخانه محفوظ بود. به نظر می‌رسد یکی از مهمترین موارد این وقف پس از کتابخانهٔ عظیم او، وقف ساختمان هفت طبقه‌ای در خیابان فرصت‌الدولهٔ شیرازی به دانشکدهٔ الهیات و ادیان

دانشگاه شهید بهشتی بوده باشد.

سرانجام دکتر بهرون که سال‌ها بود با بی‌مه‌ری‌های فراوان از جانب نزدیکان و حتی برخی از دوستان و خدمهٔ منزلش مواجه بود و در میان کتابخانهٔ خویش در آپارتمان شخصی مسکونی خود در مجتمع آپارتمان‌های پارک ساعی، اوقات را به تفکر و تدبیر در قرآن کریم و نهج‌البلاغه و سیرهٔ امیرالمومنین علی علیه‌السلام و نگارش کتابی در باب هویت و اصالت استناد از قرآن کریم، می‌گذرانید، در دی ماه ۱۳۸۸ در تنهایی و در میان همان کتابخانه چشم از جهان فروبست. پیکر او طبق درخواست و وصیت خودش، در حرم مطهر حضرت سید میر حمزه مشهور به شاهزاده حمزه یا شاه حمزه در میدان کهنهٔ قم، در جوار مقبرهٔ مادر و دیگر اقوام و در داخل قبر قدیمی پدر خویش آرام گرفته و به خاک سپرده شده [داخل حسینیهٔ خانوادگی حاج‌سیدبهاء‌الدین، پدر حاجی امین دوآب].

اکنون در یکصدمین سال تولد این دانشمند فقید، بر آن شدیم تا با انتشار این یادنامه، گامی هرچند خرد برای شناساندن این فقید فرزانه برداریم. گامی در راستای روشن کردن زوایای ناپیدای شخصیت دکتر خسرو بهرون که به یقین تا امروز و پیش از این کتاب، هرگز به چنین گستردگی مورد کاوش قرار نگرفته و پیرامون آن بحث و گفت و گو نشده است. شخصی که با وقف تمامی دارایی خویش به دانشگاه شهید بهشتی، کوشید تا پس از مرگش نیز به فرهنگ و دانش این کشور، همانند دوران حیات خدمت نماید. روانش خرسند و شادمان و در میان فَرَوَهَرهای پاکان و نیاکان پاک‌نهادش در آرامش و آسایش باد.

چگونگی دسته‌بندی و استنساخ اسناد

اسناد حاضر از میان انبوه مکاتبات و اسناد مجموعهٔ وقفی دکتر خسرو بهرون در مرکز اسناد کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه شهید بهشتی گزینش شده است. این سندها، ابتدا بر اساس موضوع تفکیک گردید و سپس به جهت طبقه‌بندی، انگل‌زدایی و اسکن، به واحد آرشیو مؤسسهٔ مطالعات تاریخ معاصر ایران سپرده شد. پس از گندزدایی، طبقه‌بندی و تصویربرداری، تصاویر به همراه کلیه اوراق اسناد به کوششگر تحویل شد تا مرحلهٔ بازخوانی آنها انجام پذیرد. در این مرحله، سندها از منظر دارا بودن محتوای مورد نظر به جهت کار در یادنامه، مورد بررسی مجدد قرار گرفت و از میان آنها، اسناد مورد نظر جدا شده و پس از بازخوانی، محتوای آنها استخراج و تنظیم و تدوین گردید. پس از صفحه‌آرایی اولیه، نمونه‌خوانی و تطبیق به دفعات بر روی آنها توسط کوششگر و ویراستاران انجام پذیرفت که تا حد امکان، کار بدون ایراد به صفحه‌آرایی نهایی سپرده شود. پس از صفحه‌آرایی نهایی نیز کار مجدد مورد بررسی و سندها از دیدگاه زمانبندی [تاریخی] طبقه‌بندی شده و کار تکمیل گردید. لازم به ذکر است، بازنویسی اسناد براساس رسم‌الخط نگارشی رایج زبان فارسی امروز صورت‌گرفته و بنابر این علائم سجاوندی و دستوری وارد شده در متن اصلی اسناد، فاقد علامت افزودهٔ [] هستند.

صفحه‌آرایی و حروفچینی این کتاب سترگ انجام نمی‌پذیرفت، اگر یاری سرکار خانم ناهید کردگاری، نمی‌بود. کوششگر از ایشان برای صبر و دقت نظری که در انجام این مهم به ظهور رسانیدند، کمال سپاسگزاری را دارد. در پایان بر خود واجب می‌دانم از استاد گرانقدر، دوست بزرگوار و همکار

ارجمندم جناب آقای دکتر محسن حاجی زین‌العابدینی که نخستین بار فکر بررسی اسناد بهرون را در ذهنم روشن کردند و با گشاده‌رویی و همکاری صمیمانه، تمامی اسناد را برای پژوهش و تدوین این کتاب در اختیارم قرار دادند سپاسگزاری نمایم. همچنین بر من فرض است، از استاد گرامی و دوست ارجمندم جناب آقای دکتر رائد فریدزاده، که همکاری بی‌شائبه و سعه صدر ایشان با پژوهش و پژوهشگران مثال‌زدنی است، سپاس فراوان داشته باشم. ایشان با دیدن شوق من در این کار، موانع بسیاری را از سر راهم برداشتند. از دوست عزیزم جناب آقای دکتر کیوان جورابچی که شرایط قانونی و حقوقی و مادی و معنوی انجام چنین اثری را در مقام رئیس مرکز اسناد دانشگاه با نگاه نکته‌سنج خویش فراهم کردند، سپاس بی‌نهایت دارم. از سرکار خانم پرستو نقدی، معاون کتابخانه مرکزی دانشگاه نیز که با بیان برخی از نکات و خاطرات جسته‌گریخته از مرحوم دکتر بهرون و جستجو و یافتن عکس‌های بسیاری از ایشان، لطف بی‌پایان خویش را بر من نثار کردند، قدردانم. از دوست فرزانه‌ام جناب آقای دکتر رضا کسروی که بر من همواره منت می‌نهند و با علم و دقت زایدالوصفی مرا یاری می‌نمایند، سپاسگزاری می‌نمایم. او به یقین یگانه‌ای بی‌مانند در علم القاب و رجال‌شناسی برجسته است. نظرات ارزشمند دوست بزرگوارم جناب آقای جلال فرهمند، باعث شد تا بر غنای علمی و استنادی کتاب افزوده شود. از جناب آقای دکتر احمد خاتمی که از استادان برجسته در حوزه علوم انسانی به شمار می‌آیند، به واسطه اینکه با روی گشاده‌پذیرای من شدند و ساعاتی از وقت گرانبهای خود را در اختیارم نهادند، بسیار سپاسگزارم. همچنین از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر بهروز دُری که با تمام مشغله آموزشی و پژوهشی، من را از فیض

فرمایشات خویش بهره‌مند کردند، کمال تشکر را دارم.
از سرکار خانم آذرمه سنجری که در مقام معاون مرکز نشر آثار علمی با دقت فراوان و نکته‌سنجی بسیار نمونه‌های پیش از انتشار کتاب را بررسی کردند و شرایط تسریع در انتشار آن را فراهم آوردند، سپاس بیکران دارم. و فقه‌الله تعالی فی الدارین.
آماده شدن این کتاب میسر نمی‌شد مگر با پیگیری و تلاش‌ها و مشاوره‌های دوست عزیزم جناب آقای مختار حدیدی. همواره در این سال‌های آشنایی و ارادت، از الطاف بی‌پایان و محبت‌های ارزشمند و راهنمایی‌های ارزندهٔ ایشان بهره برده‌ام.
دادار جهان آفرین نگهدار ایشان باشد.

محمدرضا بهزادی

ولنجک؛ دوم فروردین ماه ۱۳۹۶

بخش اوّل

اسناد تحصیلی

شماره: ۱۸۵۳
تاریخ: ۲۱ اسفندماه ۱۳۱۷
توانا بود هر که دانا بود

وزارت فرهنگ
دانشگاه تهران

دانشکده فنی

نظر به ماده هیجدهم قانون اساسی فرهنگ، مصوب نهم جوزای هزار و دو بیست و نود خورشیدی نظر به قانون تأسیس دانشگاه مصوب هشتم خرداد هزار و سیصد و سیزده، نظر به اساسنامه و مقررات دانشگاه فنی مصوب ۱۳ شهریور ۱۳۱۳ و نظر به تصدیق هیأت ممتحنه مورخ خرداد ۱۳۱۷ چون آقای خسرو بهرون دانشجوی دانشکده فنی دارای شناسنامه شماره ۹۰۷۱ صادره از ۹ تهران که در تاریخ ۱۲۹۵ در تهران تولد یافته در خرداد ماه ۱۳۱۷ با معدل کل ۱۳/۳۸ از عهده امتحانات رشته مهندسی برق برآمده و شایسته دریافت مهندسی شناخته شده است به موجب این دانشنامه به او پایه مهندسی در رشته برق داده می شود که از مزایای قانونی آن بهره‌مند گردد.

محل امضای رئیس دانشکده فنی

امضای رئیس دانشگاه تهران

امضای وزیر فرهنگ